

بررسی و توصیف واژه‌بست در گویش مراغه‌ای زبان ترکی^۱

محمد امین صراحی^۲

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان

منصور شهبانی^۳

استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان

علی اصغر غفاری^۴

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه گیلان

چکیده

در تمام زبان‌های دنیا واحدهایی وجود دارند که حد وسط واژه و تکواژ محسوب می‌شوند و هم بعضی خصوصیات واژه را دارا هستند و هم بعضی خصوصیات تکواژهای وابسته را دارند؛ به این واحدهای زبانی واژه‌بست می‌گویند. تحقیق حاضر با هدف بررسی و توصیف واژه‌بست در گونه مراغه‌ای زبان ترکی صورت گرفته است. این بررسی به روش توصیفی-تحلیلی بوده که قسمت اعظم داده‌های آن با مراجعه به منابع متعدد گویش مراغه‌ای زبان ترکی آذربایجانی و همچنین شم زبانی نگارندگان این تحقیق تهیه شده است. الگوهایی که برای تشخیص این نوع واژه‌بست‌ها در این مقاله به کار برده شد، همان معیارها و چارچوبی است که شقاقی (۱۳۷۴) برای بررسی و طبقه‌بندی تکواژهای وابسته در زبان فارسی از زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) اقتباس کرده است. نتایج داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که واژه‌بست‌های این زبان عبارتند از پی‌بست‌های ملکی (ضمایر شخصی)، افعال ربطی، منادا، علامت مفعولی، و شکل کوتاه‌شده "هم". همچنین، بعضی واژه‌بست‌ها در زبان ترکی به صورت پی‌بست و بعضی دیگر به صورت پیش‌بست به پایه متصل می‌شوند. مقاله حاضر همچنین نشان می‌دهد که می‌توان از الگوی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) به عنوان ابزاری علمی و البته مناسب جهت تشخیص و مطالعه واژه‌بست‌های زبان ترکی استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: واژه‌بست، تصریف، اشتقاق، ساختواژه، ترکی آذربایجانی، لهجه مراغه‌ای.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۸

aminsorahi@hotmail.com

mansour_shabani225@gmail.com

ghaffari_aliasghar@yahoo.com

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۷

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

۱- مقدمه

مطالعات زبان‌شناختی مختلفی که در حوزه‌های صرف و نحو انجام گرفته است، نشان می‌دهد تقریباً در تمام زبان‌های دنیا واحدهای وابسته‌ای وجود دارد که رفتاری میان واژه و تکواژ دارد و اعتقاد به تقسیم‌بندی تکواژها به دو گروه آزاد و وابسته را زیر سؤال می‌برد. بر اساس مطالعات ساختوازی انجام گرفته، این واحدهای زبانی هم بعضی خصوصیات واژه را دارا می‌باشند و هم دارای بعضی خصوصیات تکواژهای وابسته هستند، اما به لحاظ صرفی یک واژه به حساب نمی‌آیند. این واحدهای بینایی را واژه‌بست می‌نامند (صراحی و علی نژاد، ۱۳۹۲). معادل انگلیسی 'واژه بست' (clitic) از زبان یونانی به معنای تکیه‌دادن گرفته شده است. کریستال^۵ (۲۰۰۸: ۸۰) واژه‌بست را اصطلاحی می‌داند که در دستور برای اشاره به صورتی به کار برده می‌شود که شبیه یک واژه است اما نمی‌تواند به تنهایی و به صورت مستقل در یک پاره‌گفتار طبیعی به کار برده شود و از نظر آوایی به واژه مجاور یا میزبان خود وابسته است. واژه‌بست تکواژ دستوری وابسته‌ای است که ضمن ایفای نقش دستوری در ساخت‌های بزرگ‌تر از واژه شرکت می‌کند و از نظر آوایی با پایه خود یک واژه واجی می‌سازد. واژه واجی در واقع یک گروه یا ساخت نحوی است که از نظر آوایی همانند یک واژه تلفظ می‌شود اما از نظر صرفی یک واژه به شمار نمی‌آید. واژه‌بست در طبقهٔ وندها نیز قرار نمی‌گیرد زیرا وندها جزئی از ساختمان واژه محسوب می‌شوند و نمی‌توان به قرینه آنها را حذف کرد. با توجه به جایگاه اتصالشان به پایه، واژه‌بست‌ها به دو دستهٔ پیش‌بست^۶ و پی‌بست^۷ تقسیم می‌شوند (شقایق، ۱۳۸۹).

دربارهٔ واژه‌بست مطالعات زیادی صورت گرفته است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از کارهای زوئیکی^۸ (۱۹۷۷)، کلاونس^۹ (۱۹۸۵)، اسپنسر^{۱۰} (۱۹۹۱)، اندرسون^{۱۱} (۱۹۹۲)، کاتامبا^{۱۲} (۱۹۹۳) و آخن والد^{۱۳} (۲۰۰۳) نام برد. این مطالعات الگوهایی را برای تشخیص واژه‌بست در سایر زبان‌ها معرفی کرده‌اند. در ایران، محققان عمدتاً از آزمون‌های تشخیص واژه‌بست که در پژوهش‌های غیر ایرانی مطرح شده، استفاده کرده‌اند که از جملهٔ آن می‌توان به پژوهش‌های شقایق (۱۳۷۴)، ممسنی (۱۳۸۰)،

5. D. Crystal

6. proclitic

7. enclitic

8. A. Zwicky

9. J. Klavans

10. A. Spencer

11. S. R. Anderson

12. F. Katamba

13. A. Y. Aikhenvald

راسخ‌مهند (۱۳۸۶)، نغزگوی کهن (۱۳۸۹)، نورعلی‌وند (۱۳۹۰) و صراحی و علی‌نژاد (۱۳۹۲) اشاره کرد.

واژه‌بست‌ها در زبان ترکی طبقات دستوری مختلفی مانند ضمائر متصل، افعال ربطی، منادا و علامت مفعولی را تشکیل می‌دهند که می‌توانند به واژه‌های میزبان متفاوتی اضافه شوند که از نظر نحوی به طبقه‌های دستوری متفاوتی تعلق دارند. از این رو، مطالعه واژه‌بست‌ها به دلایل متعددی از جمله تداخل ساختواژه و نحو، وجود تعاریف گوناگون (که بعضی اوقات تفاوت‌های فراوانی نیز دارند)، و تفاوت ساختاری واژه‌بست‌ها در زبان‌های گوناگون همواره از پیچیده‌ترین مباحث مورد مطالعه واژه‌شناسان و متخصصین علم نحو بوده است. علیرغم تحقیقات گوناگونی که درباره واژه‌بست در زبان فارسی و بیشتر گویش‌های ایران انجام گرفته است، تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون واژه‌بست‌های زبان ترکی آذربایجانی مورد مطالعه قرار نگرفته است و نیاز به انجام چنین پژوهشی به شدت احساس می‌شود. از این رو، هدف اصلی این پژوهش تشخیص و بررسی واژه‌بست‌های زبان ترکی آذربایجانی با کمک گرفتن از معیارهای تشخیص واژه‌بست است که توسط شقاقی (۱۳۷۴) مطرح شده‌اند.

داده‌های این تحقیق از گویش مراغه‌ای زبان ترکی جمع‌آوری شده است که یکی از گویش‌های جنوبی استان آذربایجان شرقی است و در شهرستان مراغه تکلم می‌شود. این گویش دارای خصوصیات آوایی و واجی خاص خود است که جا دارد در تحقیقات واج‌شناختی و آواشناسی مستقلی مورد مطالعه جدی قرار گیرد. برای آوانگاری داده‌های جمع‌آوری شده از نظام آوانگاری بین‌المللی^۴ استفاده شده است.

۲- روش‌شناسی و چارچوب نظری

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های مربوط، نگارندگان علاوه بر بهره گرفتن از شمّ زبانی خود به عنوان گویشوران گونه مراغه‌ای زبان ترکی آذربایجانی از گفتار سخنگویان شهر مراغه نیز به عنوان منبع داده‌ها استفاده کرده‌اند. برای حفظ یکدستی و عینیت و اعتبار و روایی تحقیق، تنها گونه زبانی مورد استفاده در داخل شهر مراغه به عنوان ملاک کار پذیرفته شده است. برای برطرف کردن اشکال‌ها و شبهه‌های دستوری، از کتاب‌های دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی (احمدی گیوی، ۱۳۸۳)، معاصیر ادبی آذری دیلی (زهتابی، ۱۳۷۹)، فرهنگ ترکی - فارسی (زارع

شاهمرسی، ۱۳۸۷)، و نگاهی تازه به گرامر و شیوه نگارش زبان ترکی (بیانی، ۱۳۹۱) استفاده شده است. زبان ترکی زبانی پیوندی محسوب می‌شود. در زبان‌های پیوندی، برای ساخت واژه جدید پسوند به پایه کلمه افزوده می‌شود، پایه ثابت می‌ماند و واژه‌سازی با وندافزایی صورت می‌گیرد (احمدی گیوی، ۱۳۸۳: ۶).

همان‌طور که گفته شد، واژه‌بست‌ها صورت‌های وابسته‌ای هستند که از بسیاری جهات صورت بینابین واژه‌های کامل و وندها را دارند، بنابراین برای تشخیص واژه‌بست از وند، نیاز به معیارهای تشخیص داریم که تمایز میان واژه‌بست‌ها و وندها را نمایش دهند.

در سال‌های اخیر، برای شناخت و طبقه‌بندی واژه‌بست تلاش‌های زیادی صورت گرفته است. به عنوان مثال می‌توان به طبقه‌بندی‌های زوئیکی (۱۹۷۷ و ۱۹۸۵)، کلاونس (۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) و زوئیکی و پولوم^{۱۵} (۱۹۸۳) اشاره کرد. آنان با توجه به دشواری تمیز واژه‌بست از واژه‌ها و سایر تکواژهای وابسته، تعدادی آزمون و پارامتر معرفی کرده‌اند که با استفاده از آنها می‌توان واژه‌بست‌ها را شناسایی و طبقه‌بندی کرد. تکواژهای دستوری وابسته زبان را می‌توان بر مبنای آزمون‌های زوئیکی و پولوم به چهار گروه وند اشتقاقی، وند تصریفی، واژه‌بست ساده و واژه‌بست ویژه تقسیم کرد. اتصال واژه‌بست به پایه و حوزه عملکرد آنها را با استفاده از پارامترهای پیشنهادی کلاونس نیز می‌توان تعیین کرد (شقایق، ۱۳۷۴). کلاونس ادعا می‌کند آنچه باعث جدا کردن واژه‌بست‌ها از واژه‌ها یا وندها می‌شود، این است که واژه‌بست‌ها معمولاً از نظر نحوی به گروه می‌چسبند و این گروه است که حوزه عملکرد واژه‌بست محسوب می‌شود. از این دیدگاه، واژه‌بست از وند که به طبقه واژه اضافه می‌شود، متفاوت است. به همین دلیل کلاونس اصطلاح وند گروهی^{۱۶} را برای اشاره به واژه‌بست‌ها به کار می‌برد. پیشنهاد اصلی کلاونس این است که در هر نظام واژه‌بستی، علاوه بر مشخص کردن حوزه واژه، باید ارزش‌های سه پارامتر دوگانه را نیز مشخص کنیم که دوتای آن نحوی و یکی از آن پارامترها واجی است. اولین پارامتر تعیین می‌کند که آیا واژه‌بست باید به ابتدا یا به انتهای حوزه عملکرد خود اضافه شود و دارای ارزش آغازین یا پایانی می‌باشد. پارامتر دوم مشخص می‌کند که آیا واژه‌بست قبل یا بعد از سازه حاشیه‌ای^{۱۷} حوزه عملکرد به کار برده می‌شود. پارامتر سوم مشخص می‌کند که از نظر واجی، واژه‌بست به سمت چپ یا سمت راست واژه میزبان اضافه می‌شود یعنی پیش‌بست یا پی‌بست است.

15. G. Pullum

16. phrasal affix

17. peripheral constituent

وند اشتقاقی نقش واژه‌سازی دارد و اغلب نوع جدیدی از کلمه را می‌سازد، یعنی مقوله کلمه را عوض می‌کند. وند اشتقاقی برای ساختن مقولات دستوری جدید از یک پایه به کار می‌رود. وندهای اسم‌ساز، صفت‌ساز، فعل‌ساز، قیدساز، اسم مصدر، اسم ابزار و غیره از نوع وندهای اشتقاقی می‌باشد. وند تصریفی نقش نحوی دارد و برای ایفای نقش معینی در ساخت‌های نحوی به کار می‌رود. معمولاً بیان شمار (مفرد-جمع)، معرفه و نکره، زمان (حال، گذشته و آینده)، شناسه‌های فعلی، مقایسه صفت (ساده، برتر و برترین)، وجه فعل، نمود فعل و غیره به کار می‌رود.

واژه‌بست ساده: در محاوره و یا در بعضی بافت‌های زبانی، زمانی که یک واژه از نظر واجی کوتاه می‌شود، این صورت کوتاه و بی‌تکیه به واژه مجاور متصل می‌شود و قواعد آوایی بر نحوه اتصال آن حاکم می‌شود. این تکواژ وابسته از نظر نحوی، توزیعی همسان و برابر با گونه کامل خود دارد و ارتباط معنایی و آوایی آن با گونه کامل، روشن و شفاف است. برای مثال (این مثال از شقاقی (۱۳۷۴) گرفته شده است) در جمله:

(۱) سالار اون کتابو بده من ← سالار اون کتاب را بده من.

نشانه مفعولی "را" کوتاه شده و به واژه مجاور خود افزوده می‌شود.

واژه‌بست ویژه: همه واژه‌بست‌هایی که واژه‌بست ساده نیستند، واژه‌بست ویژه به شمار می‌آیند. در زبان فارسی "می" نکره و بعضی ضمائر پیوسته واژه‌بست ویژه محسوب می‌شوند. "می" نکره صورت کامل ندارد و توزیع بعضی ضمائر پیوسته منطبق بر صورت کامل خود نیست.

چارچوب اصلی این پژوهش همان چارچوبی است که شقاقی (۱۳۷۴) از زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) اقتباس کرده است. نگارندگان به دلیل شباهتی که در جایگاه و قرارگیری واژه‌بست در زبان فارسی و ترکی وجود دارد، آزمون‌های پیشنهادی زوئیکی و پولوم را به عنوان الگوهای شناخت واژه‌بست از وندها در زبان ترکی مورد استفاده قرار دادند. شقاقی (۱۳۷۴) این آزمون‌های انتخابی را به سه گروه آوایی، صرفی و نحوی تقسیم می‌کند.

۱- آزمون‌های آوایی

"واژه‌بست از نظر تکیه متکی به عنصر دیگری است، اما واژه از نظر تکیه مستقل است" (شقاقی، ۱۳۷۴: ۱۴۶). بر اساس آزمون آوایی، زبان ترکی به هنگام اضافه شدن وندهای تصریفی و اشتقاقی همانند زبان فارسی عمل می‌کند، به این معنی که افزودن وندهای تصریفی و اشتقاقی اغلب جایگاه تکیه را تغییر

می‌دهد. اما به نظر می‌رسد واژه‌بست‌های زبان ترکی عملکردی کاملاً متفاوت از زبان فارسی از خود نشان می‌دهند و مانند وندها می‌توانند جایگاه تکیه را تغییر دهند. به عنوان مثال، /qa.'lam/ (قلم) واژه‌ای مستقل است که دارای تکیه است و تکیه در این کلمه بر هجای دوم واقع شده است. همانند زبان فارسی، افزودن وندهای اشتقاقی و تصریفی موجب تغییر جایگاه تکیه می‌شود:

2) [qa.'lam] + -lar → [[qalam] -'lar]
 pen - PL
 «قلم‌ها»

با اضافه شدن پسوند تصریفی جمع، تکیه از هجای دوم به هجای سوم تغییر می‌یابد. اما هنگام اضافه شدن واژه‌بست مشاهده می‌شود که در زبان ترکی ظاهراً در تمامی کلمات واژه‌بست خود حامل تکیه می‌باشد:

3) [qa.'lam] + -im → [qa.la.'mim]
 pen + -1. SG POS
 «قلم من»
 [qa.la.'mim] + -i → [qa.la.mi.'mi]
 pen - 1. SG POS + -objective marker
 «قلم من را»
 [qa.la.'mim] + -di → [qa.la.mim.'di]
 pen - 1. SG POS + be 3.SG
 «قلم من است»

مطالعه داده‌های جمع‌آوری‌شده این تحقیق نشان می‌دهد به هنگام اضافه شدن دو تکواژ وابسته (وند و واژه‌بست)، این تکواژ وند است که تکیه می‌پذیرد و واژه‌بست در کنار یک وند بدون تکیه خواهد ماند:

4) [[[qa.lam] + -lar] + -um] → qa.lam.'la.rum
 pen + PL + 1. SG POS
 «قلم‌های من»

5) [[[ov] + -lar] + -imiz] → ov.'lar. imiz
 house + PL + 1.PL
 «خانه‌هایمان»

6) [[[jazw] + -lar] + -un] → jazw.'lar.un
 written + PL + 2.SG
 «نوشته‌هایت»

از این آزمون در تشخیص واژه‌بست استفاده خواهد شد.

۲- آزمون صرفی

واژه‌بست‌ها به وندها به ویژه وند تصریفی، شباهت دارند. حال آنکه از جهاتی دیگر مانند واژه هستند. برای تمایز گذاردن بین این سه گروه، از چهار آزمون صرفی موسوم به وابستگی، جلوگیری از وندافزایی، توزیع و خلاء اتفاقی استفاده می‌کنیم.

وابستگی: وندها عناصر وابسته و واژه‌ها عناصر آزاد زبان هستند. واژه‌بست‌ها نیز وابسته‌اند و به تنهایی در ساخت به کار نمی‌روند. برای مثال استفاده از پی‌بست ضمیری "م" به عنوان هسته گروه اسمی، موجب نادرستی شدن جمله زیر می‌شود، زیرا باید متصل به یک پایه در ساخت جمله باشد:

7) um* - jgaddum.madrassa-dan.

1. SG POS bring. PAST school-

«م را از مدرسه آوردم.»

همانطور که ملاحظه می‌شود، استفاده از پی‌بست ضمیری "mu" در زبان ترکی، به عنوان هسته گروه اسمی که به تنهایی در ابتدای جمله آمده، موجب غیردستوری شدن جمله شده است. برای تمایز گذاردن بین واژه و واژه‌بست، از آزمون وابستگی استفاده خواهد شد.

جلوگیری از وندافزایی: بعضی وندهای تصریفی مانع از افزودن وند جدیدی به پایه می‌شوند. واژه‌بست نیز مانع از وندافزایی و گاه واژه‌بست‌افزایی می‌شود. برای نمونه، با افزودن وندهای اشتقاقی "ش"، "گه"، و "ی" به ستاک مضارع "دان" از فعل "دانستن"، می‌توان به ترتیب سه واژه "دانش"، "دانشگاه" و "دانشگاهی" را ساخت. چنانچه به واژه "دانشگاه" پسوند جمع "ها" را بیفزاییم، دیگر نمی‌توان پسوند اشتقاقی "ئی" موسوم به یای نسبت را افزود، اما می‌توان به کلمه "دانشگاهی" پسوند جمع "ان" یا "ها" را اضافه کرد و کلمه‌های "دانشگاهیان" و "دانشگاهی‌ها" را به دست آورد. همه وندهای تصریفی قادر به جلوگیری از وندافزایی مجدد نیستند و این ویژگی را نمی‌توان با قاعده‌ای عام توصیف کرد. به عنوان نمونه، با افزودن پسوند تصریفی "تر" یا نشانه صفت برتر به صفت "بزرگ"، کلمه "بزرگ‌تر" ساخته می‌شود. حال اگر کلمه "بزرگ‌تر" به جای اسم به کار رود، می‌توان پسوند جمع "ها" را به آن افزود، مانند "بزرگ‌ترها". هرگاه واژه‌بست به پایه متصل شود، دیگر نمی‌توان به مجموعه (پایه + واژه‌بست) هیچ نوع وند صرفی^{۱۸} را اضافه کرد. همان‌گونه که مثال شماره (۸) نشان می‌دهد، امکان

اتصال چند واژه‌بست در زبان فارسی وجود دارد:

۸) کتابشونم (کتاب -ها -ی -شان -هم)؛ کتابمونو (کتاب -ها -ی -مان -را)

اما اتصال واژه‌بست به پایه از اضافه شدن وندهای دیگر جلوگیری می‌کند:

۹) * کتابم‌ها ← با متصل شدن پی‌بست ضمیری «-م» به پایه، از اضافه شدن وندها جلوگیری می‌شود.

آزمون جلوگیری از وندافزایی برای تشخیص وند از واژه‌بست در زبان ترکی نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، چرا که بررسی داده‌ها در این زبان نشان می‌دهد که وندها و واژه‌بست‌های افزوده شده به ستاک یا پایه، از افزودن وند جدید به پایه و همچنین واژه‌بست‌افزایی جلوگیری نمی‌کنند و امکان اضافه شدن تکواژهای وابسته دیگری به وندها و واژه‌بست‌هایی که به ستاک افزوده شده‌اند: وند اشتقاقی (افزودن تکواژهای وابسته دیگر به وند اشتقاقی اضافه‌شده به ستاک):

10) jar → jara

split -NOMI

«زخم»

jara-lar → jara-lar-a

split -NOMI -PL → split -NOMI -PL -PREP

«به زخم‌ها»

jara-lar-a-da → jara-lar-da-jara-lar

split -NOMI -PL -PREP -CONN (coordination)

«به زخم‌ها هم»

jara-lar-uum-a-dajara-lar

split -NOMI -PL -1.SG -PREP -CONN (coordination)

«به زخم‌هایم هم»

وند تصریفی (افزودن تکواژهای وابسته دیگر به وند تصریفی اضافه‌شده به ستاک):

11) citab → citab-lar

book -PL

«کتاب‌ها»

citab-lar-a-dacitab-lar-a

book -PL -PREP -CONN (coordination)

«به کتاب‌ها هم»

citab – lar – a – cimin

book -PL -PREP -even

«حتی به کتاب‌ها هم»

citab – lar – da – Ci – lar – dan – dacitab –lar

book -PL -CONN –that -PL -inside book-PL

«از چیزهایی هم که داخل کتاب‌ها»

واژه‌بست (افزودن تکواژهای وابسته دیگر به واژه‌بست اضافه‌شده به ستاک):

12) citab → citab – um

book -1. SG

«کتابم»

citab –um –u

book -1. SG -OBJ

«کتابم را»

citab – um – u – da

book -1.SG -OBJ -CONN

«کتابم را هم»

citab – um – u – da – ci

book -1.SG -OBJ -CONN –that

«کتابم را هم که»

بنابراین، از آزمون جلوگیری از وندافزایی، برای تشخیص وندها از واژه‌بست‌ها در زبان ترکی نمی‌توان استفاده کرد.

توزیع: واژه‌بست در گزینش واژه پایه، از محدودیت کمتری برخوردار است، در حالی که وند فقط به پایه‌های خاصی متصل می‌شود. توزیع وندها بر اساس اصول عام صورت می‌گیرد. برای نمونه، پسوند نشانه جمع همیشه به پایه اسم متصل می‌شود، اما واژه‌بست را می‌توان به عناصر متفاوتی افزود.

13) ali malim–di

ali teacher is

«علی معلم است.»

havah issi– i

weather warm is

«هوا گرم است.»

di-adžejy –myz bu ʃəʃ
date -1. PL this night is

«قرار ما امشب است.»

در جملات بالا، پی‌بست /di/ به ترتیب به مقوله‌های اسم، صفت و قید افزوده شده است. برای تمیز وندهای اشتقاقی و تصریفی از واژه‌بست، از آزمون توزیع استفاده خواهد شد.

خلاء اتفاقی: واژه‌بست در تمامی جایگاه‌هایی که نحو تعیین کند، به کار می‌رود و در ترکیب (واژه + واژه‌بست) خلاء اتفاقی مشاهده نمی‌شود، اما در ترکیب (واژه + وند) چنین خلاء‌هایی یافت می‌شوند. به عنوان مثال، با افزودن پسوند اشتقاقی /e/ به ستاک زمان گذشته بعضی افعال می‌توان صفت مفعولی ساخت، اما کلمه‌هایی چون *دویده یا *توانسته در فارسی معاصر کاربرد ندارد. پسوند تصریفی نشانه جمع “ها” و “ان” را می‌توان به رستنی‌ها و نباتات افزود (معین، ۱۳۴۰). کلماتی چون “درخت‌ها” یا “درختان” در فارسی کاربرد دارد، اما از دو صورت “بوته‌ها” و *بوتگان فقط اولی در ساخت جمله به کار می‌رود.

داده‌های این تحقیق تفاوت مهمی را میان ساختمان واژگان ترکی نسبت به زبان فارسی نشان می‌دهند که نبود خلاء اتفاقی در ترکیب‌های واژه + واژه‌بست و واژه + وند می‌باشد، چرا که واژه‌بست در تمامی جایگاه‌هایی که نحو تعیین می‌کند، به کار می‌رود و در ترکیب (واژه + واژه‌بست) خلاء اتفاقی مشاهده نمی‌شود. بررسی داده‌ها در زبان ترکی نشان می‌دهد شاهد هیچ‌گونه خلاء اتفاقی در ترکیب (واژه + وند) نیز نخواهیم بود. برای مثال، ساختار صفت فاعلی ترکی به صورت (بن فعل + پسوند “ن” یا “ان”) می‌باشد که یک ساختار دستوری و باقاعده است و از هر بن فعلی می‌توان با پسوند فاعلی، صفت فاعلی ساخت. نمونه‌های زیر ساختار صفت فاعلی را نشان می‌دهند:

14) dyfyn → dyfyn-an
understand –SBJV ADJ

«فهمیده»

cas → cas-an
cut - SBJV ADJ

«برنده»

با اضافه کردن یکی از وندهای اشتقاقی /muʃ, yf m, miʃ, muʃ/ به بن فعلی، صفت مفعولی ترکی به دست می‌آید. مانند:

15) bofal-muʃ→

empty -OBJ ADJ

«خالی شده»

aɟʃul-muɟ→

open -OBJ ADJ

«بازشده»

jizil-miɟ

eat -OBJ ADJ

«خورده شده»

dyzyl-myɟ

pick -OBJ ADJ

«چیده شده»

در زبان ترکی پسوند تصریفی جمع به دو صورت lar , lar ظاهر می‌شود و در این ترکیب نیز قاعدهٔ خلاء اتفاقی رخ نمی‌دهد. از آزمون خلاء اتفاقی در زبان ترکی فقط برای تشخیص واژه‌بست از واژه استفاده خواهد شد. نمونه‌هایی از پسوند جمع در زیر آورده می‌شود:

16) al-lar دست‌ها

hand -PL

«دست‌ها»

qardaɟ-lar

brother -PL

«برادرها»

۳- آزمون نحوی

قواعد نحوی بر گروه یا سازهٔ نحوی جمله عمل می‌کند. قواعد نحوی از قبیل حرکت و حذف به قرینه، بر ترکیب "واژه + واژه‌بست" مانند ترکیب "واژه + واژه" عمل می‌کند، یعنی واژه‌بست را عنصری نحوی هم‌ردیف واژه تلقی می‌کند.

قاعدهٔ حذف به قرینه: قاعدهٔ حذف به قرینه بر بخشی از کلمه عمل نمی‌کند و کل یک کلمه را می‌تواند حذف کند. به عنوان نمونه، قاعدهٔ حذف به قرینه در جملهٔ الف، کلمه "علی" را از جملهٔ "علی رفت" و در جملهٔ ب، یکی از دو تکواژ وابستهٔ "م" را حذف کرده است:

۱۴) الف. علی اینجا بود ولی رفت.

ب. خانه‌ام و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند. ← خانه و مدرسه‌ام به هم نزدیک نیستند.

بررسی داده‌های زبان ترکی نشان می‌دهد که قاعده حذف به قرینه در این زبان نیز وجود دارد:

17) a. ali bujdej-duamma jeddi.

ali here was then go-PAST

«علی اینجا بود ولی رفت»

b. evinan madras-am bijbijina joxundular.

house school -1. SG near to each other -PL

«خانه و مدرسه‌ام به هم نزدیک هستند»

ولی در جمله‌ای که حذف به قرینه پسوند تصریفی یا اشتقاقی اتفاق می‌افتد، باعث غیردستوری شدن جمله می‌گردد. به عنوان مثال:

18) ali jyl-lar-uu vaayaf-lar-uu suveruj.

ali flower-PL and tree-PL water-3. SG

«علی گل‌ها و درختان را آبیاری می‌کند.»

حال اگر در این جمله پسوند تصریفی *lar* حذف به قرینه شود، خواهیم دید که جمله نادرستی خواهد شد در حالی که در زبان فارسی جمله غیردستوری نخواهد بود ولی معنی تغییر می‌کند. مانند:

19) * ali jyl ... vaayaf-lar-uu suvaruj.

ali flower ... tree-PL water-3.SG

«علی گل و درختان را آبیاری می‌کند.»

و در جمله ۲۰ حذف به قرینه اشتقاقی، منجر به نادرستی شدن جمله می‌گردد:

20) bular hammusuu dʒavan-nux-dan va xam-nux-dan-du.

this-PL all young-NOM-from and unexperienced-NOM-from is

«اینها همه ناشی از جوانی و خامی است.»

21) *bular hammusuu dʒavan va xam-nux-dan-du.

this-PL all young and unexperienced-NOM from is

«* اینها همه ناشی از جوان و خامی است.»

با استفاده از این آزمون، واژه‌بست را از وندها تمیز خواهیم داد.

قاعده حرکت: قاعده حرکت نیز بر بخشی از واژه عمل نمی‌کند و کل کلمه را می‌تواند در جمله جابه‌جا کند. هرگاه این قاعده بتواند یکی از دو بخش یک ترکیب $X+Y$ را بدون دیگری حرکت دهد، با واژه سروکار داریم. البته قلب نحوی در زبان فارسی مجاز است، هرچند در برخی زبان‌ها مانند انگلیسی مجاز نیست. در جمله اول، کلمه «خانه» در جمله جابه‌جا شده است و جمله حاصل دستوری است؛ اما

جمله دوم پس از جابه‌جایی تکواژ وابسته غیردستوری شده است:

- 22) a. ali eva jidde. → ali jidde eva.
 ali house go-PAST → ali go-PAST house
 «علی خانه رفت.» → «علی رفت خانه.»
- b. citab-un bujda-du. → *citab bujda-du-un.
 book- your-SG here is → *book here-is-your SG
 «کتابت اینجاست.» → «* کتاب اینجاست.»

آزمون حرکت را برای تمایز گذاردن بین واژه‌بست و واژه به کار می‌بریم.

۳- واژه‌بست در زبان ترکی آذربایجانی

واژه‌بست‌ها در زبان ترکی نیز مانند اکثر زبان‌های دنیا وجود دارد و به طور فراوان مورد استفاده گویشوران این زبان قرار می‌گیرند. تا آنجا که جستجوهای نگارندگان نشان می‌دهد، واژه‌بست‌ها تکواژهای دستوری هستند که می‌توانند به صورت پی‌بست‌های ملکی، ضمائر شخصی، افعال ربطی، منادا، علامت مفعولی، شکل کوتاه‌شده «هم» در این زبان دیده شوند.

۳-۱- ضمائر ملکی

ضمائر ملکی پی‌بست‌هایی هستند که به انتهای تکواژ اسمی متصل می‌شوند و بسته به بافتی که در آن قرار می‌گیرند، صورت‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند.
 پی‌بست ملکی اول شخص مفرد (ym, um, um, im):

- 23) cøjnah – im
 shirt- 1.SG POS
 «پیراهن من»
 al – um
 hand- 1.SG POS
 «دست من»
 don – um
 clothes -1.SG POS
 «لباس من»
 yl – ymj
 flower -1.SG POS
 «گل من»

پی‌بست ملکی دوم شخص مفرد (yn, un):

- 24) badɣ-un

sister -2. SG POS

«خواهرت»

øz – ynɟ

eye -2. SG POS

«چشمت»

پی‌بست ملکی سوم شخص مفرد (i, u, y):

25) cøjnah – i

dress -3. SG POS

«پیراهنش»

ɨf – I

work - 3. SG POS

«کارش»

citab – u

book -3. SG POS

«کتابش»

bojn – u

neck -3. SG POS

«گردنش»

øv – y

house -3. SG POS

«خانه‌اش»

پی‌بست ملکی اول شخص جمع (imiz, umuz, ymyz):

26) dil – imiz

tongue -1. PL POS

«زبان‌مان»

pul – umuz

money -1. PL POS

«پول‌مان»

citab – umuz

book -1. PL POS

«کتاب‌مان»

bøzC – ymyz

hat -1. PL POS

«کلاه‌مان»

پی‌بست ملکی دوم شخص جمع (uz, yz):

27) bojn-uz
neck -2. PL POS
«گردن‌تان»

malaq-yz
pen -2. PL POS
«قلم‌تان» «شان»

پی‌بست ملکی سوم شخص جمع (laru, laru):

28) qalam-laru
pen -3. PL POS
«قلم‌شان»

midad-laru
pencil -3. PL POS
«مدادشان»

داده‌های فوق وقوع ضمائر ملکی در زبان ترکی را به صورت واژه‌بست نشان می‌دهند. بر اساس آزمون آوایی، اضافه شدن وندها و واژه‌بست موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شود. برای تشخیص واژه‌بست (پی‌بست ملکی) از دیگر تکواژهای وابسته (وندهای تصریفی و اشتقاقی)، می‌توان وندهای تصریفی جمع lar و lar را قبل از تکواژ وابسته‌ای (پی‌بست ملکی) آورد که به آخر واژه افزوده شده‌اند. در نتیجه این کار، تکواژ وابسته‌ای (واژه‌بست) که خود دارای تکیه بود، با اضافه شدن وند تصریفی، تکیه خود را از دست خواهد داد. مانند:

29) ci.'tab → [ci.ta.'b-um] → [[[ci.tab].-'lar]-um]

حال از کجا تشخیص خواهیم داد که این وند تصریفی افزوده‌شده، به واژه‌بست یا دیگر وندها اضافه شده است؟ پاسخ این سؤال را این‌گونه خواهیم داد که وندهای تصریفی جمع lar و lar، در صورتی که به وند اشتقاقی اضافه شوند، بعد از این وند خواهند آمد ولی در صورتی که این وندها به واژه‌بست افزوده شوند، قبل از این تکواژ وابسته ظاهر شده و موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه خواهند شد. مانند:

30) 'jar → [ja.'r-a] → [[[jar]-a]-'lar]
split (V) → split-NOMI → split-NOMI-PL

«زخم‌ها» → «زخم» → «شکافتن»

حال با کمک گرفتن از آزمون آوایی و تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌توان به خوبی نشان داد که پی‌بست‌های ملکی فوق تحت عنوان واژه‌بست به آخر واژه اضافه می‌شوند. برای ارائه نمونه‌های بیشتر، پی‌بست‌های ملکی اول شخص مفرد را مورد سنجش قرار می‌دهیم:

31) qa'lam → qala'm-im → qalam-'lar-im
a'jay → aja'y-um → ajay-'lar-um

۳-۲- افعال ربطی

افعال ربطی در زبان ترکی به صورت پی‌بست بازنمایی می‌شود. این افعال به پایان اسم یا صفت افزوده می‌شوند. داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که صورت‌های افعال ربطی در همه صیغه‌ها، مانند شناسه‌های فعلی زبان ترکی به پایان واژه‌ها اضافه شده و صرف می‌شود. مثال‌هایی از اسم‌ها و صفت‌هایی که پی‌بست‌های فعل ربطی به آن اضافه شده است، به قرار زیر است:

32) oylan-am
boy-be 1. SG

«پسر هستم.»

oylan-suz
boy-be 2. SG

«پسر هستید.»

oylan-du-lar
boy-be 3. - PL

33) udza-j-am
tall-epty morph- be 1. SG

«قدبلند هستم.»

udza-san
tall-be 2. SG

«قدبلند هستی.»

udza-du-lar
tall-be 3. - PL

«قدبلند هستند.»

صورت‌های متفاوت افعال ربطی در زمان‌های مختلف:

34) malim-di
teacher-be 3. SG PR

«او معلم است.»

malim-ir-di

teacher- PAST- be 3.SG

malim-oladğax-du

teacher- PAS FUT- be 3.SG

«معلم خواهد شد.»

افعال ربطی در زبان ترکی از لحاظ ترتیب نحوی بلافاصله پس از اسم یا صفت قرار می‌گیرند و مفهوم "بودن" را به آن می‌بخشد. نگارندگان برای شناخت بیشتر این تکواژ و اینکه آیا می‌توان آن را در دسته واژه‌بست‌های پی‌بستی قرار داد، از آزمون نحوی قاعده حذف به قرینه کمک گرفته‌اند. همان‌طور که گفته شد، قاعده حذف به قرینه بر بخشی از کلمه عمل نمی‌کند و کل یک کلمه را می‌تواند حذف کند. داده‌های جمع‌آوری شده در زیر آورده می‌شود:

35) ali oylan-du va subaj-du → ali oylan...va subaj-du

ali boy-be 3.SG and single-be 3.SG

«علی پسر و مجرد است.»

maral udğa-du va jøzal-di → maral udğa ... va jøzal-di

maral tall-be 3.SG and beautiful-be 3.SG

«مارال قدبلند و زیباست.»

ولی در جمله‌ای که حذف به قرینه پسوند تصریفی یا اشتقاقی اتفاق می‌افتد، باعث غیردستوری شدن جمله می‌گردد. برای نمونه می‌توانیم به مثال‌های زیر اشاره کنیم:

36) ali jyl-lar-u va ayaf-lar-u suvaruj.

ali flower-PL-OBJ and tree-PL-OBJ water-3. SG

«علی گل‌ها و درختان را آبیاری می‌کند.»

حال اگر در این جمله پسوند تصریفی lar حذف به قرینه شود، خواهیم دید که جمله نادستوری خواهد شد. مانند:

37) *ali jyl ... va ayaf-lar-u suvaruj.

ali flower ...and tree-PL-OBJ water-3.SG

«علی گل و درختان را آبیاری می‌کند.»

هم با تغییر آهنگ و تکیه و هم با نشانه‌هایی همراه است. نشانه‌هایی که برای منادا به کار می‌رود، به دو صورت به کلمات اضافه می‌شوند، یا به ابتدای اسم‌ها و یا به انتهای واژگان افزوده می‌شوند و این منجر می‌شود که واژه‌بست‌ها در ترکی به دو گونه پیش‌بست و پی‌بست در نظر گرفته شوند. اقسام منادا با ارائه نمونه‌هایی در زیر آورده می‌شود:

- منادا همراه با نشانه پیش‌بست:

38) qj- quz
VOC- girl
«ای دختر»
ej- quz
VOC- girl
«ای دختر»

- منادا همراه با نشانه پی‌بست:

39) quz -aj
girl -VOC
«ای دختر»
oylan -hoj
boy -VOC
«ای پسر»
davud- hu
davoud -VOC
«ای داوود»
akbar-o
akbar -VOC
«ای اکبر»

مثال‌های بالا منادا را به صورت واژه‌بست (پیش‌بست-پی‌بست) نشان می‌دهند. چون در زبان ترکی عنصر وابسته به آخر واژه می‌چسبد و به اول هیچ یک از کلمات، پیشوند و پیش‌واژه‌ای افزوده نمی‌شود؛ از این رو، در زبان ترکی اصولاً پیشوند وجود ندارد و اگر هم گاهی دیده می‌شود، معمولاً از زبان فارسی گرفته شده‌اند (احمدی گیوی، ۱۳۸۳). بنابراین لزومی برای به‌کارگیری هیچ یک از آزمون‌های مطرح‌شده جهت تشخیص این نوع واژه‌بست (پیش‌بست) از سایر وندها وجود ندارد. همچنین بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که هیچ کدام از آزمون‌های زوئیکی و پولوم نمی‌تواند

کمکی در تشخیص واژه‌بست بودن منادا با تغییر آهنگ از سایر وندها داشته باشد، ولی با استفاده از آزمون آوایی می‌توان واژه‌بست‌پی‌بست را از سایر وندهای تصریفی و اشتقاقی تمیز داد. اضافه شدن وندها و واژه‌بست‌ها در زبان ترکی موجب تغییر جایگاه تکیه در واژه می‌شود. برای تشخیص تکواژ وابسته واژه‌بست منادا (پی‌بستی) از دیگر تکواژهای وابسته (وندهای تصریفی و اشتقاقی)، می‌توان مانند پی‌بست‌های ملکی، وندهای تصریفی جمع lar و lar را قبل از تکواژ وابسته منادا که به آخر واژه افزوده شده‌اند، آورد، اما این‌بار خواهیم دید که بر خلاف واژه‌بست‌های پی‌بست ملکی، منادا که خود دارای تکیه می‌باشد، با اضافه شدن وندهای تصریفی، تکیه خود را حفظ خواهد کرد و به نظر می‌رسد با استفاده از این آزمون‌ها نمی‌توان به طور قطع به پیش‌بست بودن منادا رأی داد. مانند:

40) quuz-'aj	→	quuz-lar-'aj
girl -VOC	→	girl -PL -VOC
«ای دخترها»	→	«ای دختر»
oylan-'hoj	→	oylan-n(l)ar-'hoj
boy -VOC	→	boy -PL -VOC
«ای پسرها»	→	«ای پسر»

۳-۴- علامت مفعولی

مفعول، اسم یا جانشین اسم است که کار بر آن واقع می‌شود و معنی جمله را تمام می‌کند. اسم در نقش مفعولی در زبان ترکی معمولاً همراه /u/ به صورت پی‌بست به آخر اسم افزوده می‌شود. همچنین «علامت مفعولی» می‌تواند با اتصال به یک واژه‌بست به انتهای کلمه اضافه شود. نمونه‌هایی از آن در زیر آورده می‌شود:

41) citab - u apaj.
book -OBJ take.IMP
«کتاب را ببر.»
nahar -um - u jaturun.
lunch -1. SG -POS bring.IMP
«ناهارم را بیاورید.»

در ترکی آذربایجانی علاوه بر ضمایر متصل و افعال ربطی که به اسم می‌پیوندند و واژه‌بست هستند، نشانه مفعولی نیز به صورت تکواژ وابسته و پی‌بست در پایان اسم ظاهر می‌شود و طبق آزمون‌های ارائه‌شده در این پژوهش می‌توان به آسانی واژه بست بودن آن را شناسایی و از سایر تکواژهای وابسته

متمايز کرد. همان‌طور که برای تشخیص واژه‌بست افعال ربطی از آزمون نحوی قاعده حذف‌به‌قرینه استفاده کردیم، برای شناسایی واژه‌بست نشانه مفعولی هم از قاعده حذف به قرینه کمک خواهیم گرفت. نمونه‌هایی از آن در زیر آورده خواهد شد:

42) citab ... midad - u apaj.

book ... pencil - OBJ take IMP

«کتاب و مداد را ببر.»

citab - u - midad - u - apaj.

book - OBJ pencil - OBJ take - IMP

«* کتاب را مداد را ببر.»

nahar ... fam - u jidix.

lunch ... dinner - OBJ eat - PAST 1.PL

«ناهار و شام را خوردیم.»

nahar - u fam - u jidix.

lunch - OBJ dinner - OBJ eat - PAST 1.PL

«* ناهار را شام را خوردیم.»

ولی همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، حذف به قرینه در دیگر وندها (تصریفی - اشتقاقی) اتفاق نمی‌افتد و در صورت بروز آن، موجب نادستوری شدن جمله خواهد شد.

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش واژه‌بست‌های زبان ترکی آذربایجانی (گویش مراغه) شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت. برای انجام این کار از یک‌سری الگوهای تشخیص واژه‌بست که در مقاله شقاقی (۱۳۷۴) معرفی شده بود، کمک گرفته شد. این الگوها تحت عنوان آزمون‌های انتخابی معرفی می‌شوند که شامل آزمون‌های آوایی، صرفی و نحوی می‌باشند که بر اساس نتایجی که از بررسی تکواژهای وابسته در زبان ترکی به دست آمد، هر یک از این آزمون‌ها با ارائه شواهدی به طور مفصل توضیح داده شد و برای تأیید واژه‌بست‌ها به کار گرفته شدند.

بررسی تکواژهای وابسته در ترکی آذربایجانی (گویش مراغه) نشان می‌دهد که واژه‌بست در این زبان کاربرد فراوان داشته و طبق داده‌های ارائه شده با مطابقتی که با آزمون‌های ذکر شده انجام گرفت، واژه‌بست‌های زبان ترکی به صورت پی‌بست در ضمائر ملکی، ضمائر شخصی متصل، افعال ربطی، منادا و نشانه مفعولی می‌باشند. بنابراین، واژه‌بست‌های زبان ترکی به انتهای حوزه عملکردی خویش اضافه

می‌شوند و بعد از سازه حاشیه‌ای حوزه عملکرد به کار می‌روند. بر اساس الگوی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) و نیز کلاونس (۱۹۸۵)، واژه‌بست‌های زبان ترکی "پایانی، بعد و پی‌بست" می‌باشند. هرچند به نظر می‌رسد در زبان ترکی گونه‌ای از منادا نیز وجود دارد که رفتاری پیش‌بست‌مانند دارد اما برای اطمینان از واژه‌بست بودن آن باید از الگوهای تشخیص واژه‌بست دیگری استفاده کرد.

به نظر می‌رسد که الگوی پیشنهادی زوئیکی و پولوم (۱۹۸۳) که توسط شقاقی (۱۳۷۴) نیز برای تشخیص واژه‌بست‌های زبان فارسی به کار برده شده است، می‌تواند زمینه مناسبی برای تشخیص واژه‌بست‌ها از وندهای زبان ترکی بخصوص وندهای تصریفی فراهم کند. پژوهش حاضر نیز مانند سایر تحقیق‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که در مطالعات مربوط به واژه‌بست، درحقیقت نمی‌توان فقط به اصول ساختوازی تکیه کرد و پارامترهای واج‌شناختی و نحوی را نادیده گرفت. در حقیقت کاربرد قواعد و اصول واج‌شناسی و نحو است که درک بهتری از واژه‌بست را میسر می‌کند.

به اعتقاد نگارندگان، مهم‌ترین ارزش این پژوهش این است که جزء اولین کارهایی است که در زبان ترکی آذربایجانی انجام می‌پذیرد. مهم‌ترین کاربرد تحقیق حاضر این است که می‌توان از آن در دستورنویسی و تهیه و تدوین کتاب‌های آموزشی استفاده کرد، زیرا اگر این گونه کتاب‌ها مبتنی بر مبانی علمی زبان‌شناسی باشند و بر اساس یافته‌های جدید آن به‌روز شوند، دقت مطالب آنها بیشتر می‌شود و ناهماهنگی‌های میان آنها از بین می‌رود و به این ترتیب می‌تواند کمک شایانی به آموزش زبان ترکی نماید.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳). دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی. تهران: قطره.
- بیانی، محمد علی (۱۳۹۱). نگاهی تازه به گرامر و شیوه نگارش زبان ترکی. تبریز: اختر.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶). توصیف افعال مرکب پی‌بستی و شیوه ضبط آنها در فرهنگ‌های فارسی. فرهنگ‌نویسی، شماره ۱، ۲۵۲-۲۳۶.
- زارع شاهمرسی، پرویز (۱۳۸۷). فرهنگ ترکی-فارسی. تبریز: اختر.
- زهتابی، محمدتقی (۱۳۷۹). معاصر ادبی آذری دیلی. تبریز: آشینا.
- شقاقی، ویدا (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟ آیا در زبان فارسی چنین مفهومی کاربرد دارد؟ در مجموعه مقاله‌های سومین کنفرانس زبان‌شناسی. تهران: دانشکده ادبیات زبان‌های خارجی دانشگاه علامه طباطبایی.
- (۱۳۸۹). مبانی صرف. تهران: سمت.

صراحی، محمد امین و بتول علی‌نژاد (۱۳۹۲). رده‌شناسی واژه‌بست در زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۰-۱۰۳.

ممسنی، شیرین (۱۳۸۰). *توصیف و بررسی واژری-نحوی واژه‌بست‌های ضمیری در گویش دلواری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). *از واژه‌بست تا وند تصریفی: بررسی تحول تاریخی بعضی واژه‌بست‌های فارسی جدید*. دستور، شماره ۶، ۹۹-۷۷.

نورعلی‌وند، اسماء (۱۳۹۰). *بررسی و توصیف واژه‌بست در گویش لری دره‌شهر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران.

Aikhenvald, A. Y. (2003). Typological Parameters for the Study of Clitics, with Special Reference to Tariana. In: R. N. W. Dixon and A. Y. Aikhenvald (Eds.), *Word: A Cross-Linguistic Typology* (pp. 42-78). Cambridge: Cambridge University Press.

Anderson, S. R. (1992). *A-Morphous Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.

Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Oxford: Blackwell Publishing.

Katamba, F. (1993). *Morphology*. London: Mcmillan Press LTD.

Klavans, J. (1982). *Some Problems in a Theory of Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.

----- (1985) The Independence of Syntax and Phonology in Cliticisation, *Language*, 61, 95-120.

Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*. Oxford & Cambridge: Blackwell.

Zwicky, A. (1977). *On Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistic Club.

----- (1985). Clitics and Particles, *Language*, 61, 283- 305.

----- & G. Pullum (1983). Cliticisation vs. Inflection: English n't, *Language*, 59, 502-513.